

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان پنج منطقه شهر تهران*

^۱ راحله بهشتی زاده
^۲ محمد مهدی لیبی
^۳ مجید کفاشی
^۴ وحید رشیدوش

تاریخ وصول: ۹۷/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۱۹

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر تهران صورت گرفت. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از زنان مجرد و متاهل پنج منطقه شهر تهران به عنوان نمونه به شیوه نمونه‌گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای تایید روایی صوری پرسشنامه از نظرات اساتید مرتبط با موضوع استفاده گردید و ضریب آلفای کرونباخ جهت تایید بیش از ۰/۰۷ می باشد که نشان می دهد تحقیق از اعتبار لازم برخوردار می باشد. در تحلیل یافته ها از آزمون های آماری کولوگرف اسمیرنف، همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، تی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمونهای آماری نشان داد که عوامل فرهنگی یعنی مدیریت بدن، پایبندی دینی و پایگاه اقتصادی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری ندارد. مدیریت بدن و پایگاه اقتصادی اجتماعی رابطه ای مستقیم و معنادار با احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. زنانی که اهمیت بیشتری به مدیریت بدن خود می دهند با شدتی متوسط احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: عوامل فرهنگی، پایبندی دینی، مدیریت بدن، جنسیت، پایگاه اقتصادی اجتماعی.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری راحله بهشتی زاده با عنوان: **تأثیر ساختار کالبدی محیط و عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی** «مورد مطالعه: زنان شهر تهران» به راهنمایی محمدمهدی لیبی و مشاوره مجید کفاشی و وحید رشیدوش است.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناس گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول). Labibimehdi@yahoo.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴- عضو هیات علمی گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مهمترین نیاز امروز زنان برای گسترش فعالیت های اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی است. این مفهوم یکی از شاخص های کیفی زندگی است و آسیب های اجتماعی از مهمترین پیامدهای مختلف امنیت اجتماعی زنان به شمار می رود. مانند مزاحمت های مختلف در محیط کار، محل تحصیل و مزاحمت های جنسی دختران و زنان و نهایتاً مزاحمت های جنسی در خیابان ها و وسایل نقلیه که اکثر زنان با آنها آشنا هستند بنابراین امنیت اجتماعی از حقوق نیازهای اولیه و لازمه رفاه انسانی و جنسیت، مهمترین مولفه تاثیرگذار در بین ویژگی های شخصیتی است. همچنین زنان در مواجهه با ناامنی از مردان آسیب پذیرتر هستند (پوراحمد، ۱۳۹۶: ۱۴).

امنیت به معنای درمان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۸۱: ۲۳۴). امنیت براساس کاربرد آن داری تقسیم بندی هایی است که یکی از انواع آن "امنیت اجتماعی"^۱ است. امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمانها و دولت قرار دارد. اکثر افراد جامعه بطور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبرو می شوند و زندگی آنها مستلزم ارتباط در این قلمروها است (Moller، ۲۰۰۰: ۱۳).

نظم و امنیت از نیازهای اولیه و حیاتی شهروندان در شهر می باشد. در واقع اساس زندگی شهری بر این دو محور قرار دارد. مشاهدات، تحقیقات و آمارهای موجود نشان می دهد ضریب امنیت اجتماعی در جوامع مختلف کاهش یافته است. به طوری که شاهد افزایش بزهکاری، انحرافات اجتماعی، قتل، سرقت، خشونت های خانوادگی علیه زنان و کودکان، بیماری، فقر و نابرابری، بی عدالتی اجتماعی، شکاف طبقاتی، کاهش سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد اجتماعی و فردی، کاهش مشارکت های اجتماعی و سیاسی، افزایش نرخ آسیب های اجتماعی مانند روسپیگری، خودکشی، فرار فرزندان از خانه، اعتیاد و طلاق هستیم. افزایش این موارد بیش از هر چیز نشان دهنده از محیط ناامن و همراه با خشونت است (پوراحمد، ۱۳۹۶: ۱۳).

در شهر امن، ایمنی در فضاهای شهری تأمین می شود و فرد در شهر احساس امنیت خاطر و فقدان خطر می کند. امروزه گسترش شهرنشینی موجب پیچیده تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و بروز ناامنی در محلات مسکونی به خصوص برای زنان شده است. محلات و مناطق شهری تهران به واسطه تجمع، هم نشینی و گوناگونی خرده فرهنگ ها، به گون های عرصه اشکال و رویه های مختلف زندگی شده که عملاً توافق همگانی را در پذیرش هنجارهای اجتماعی و محله ای غیرممکن کرده است. این امر موجب شده موقعیت و کیفیت محله بر رضایت خاطر افراد درباره ایمنی و نیز رضایت خاطر از محیط فیزیکی آن ها تأثیرگذار باشد (اعظم آزاده، ۱۳۹۵: ۲).

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

احساس امنیت حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد. احساس امنیت اجتماعی در یک جامعه به احساس روانی شهروندان به میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرم خیز در آن جامعه باز می گردد و هر چه مقدار فراوانی جرم و شرایط جرم خیز بالاتر باشد، احساس امنیت شهروندان پایین تر است. احساس امنیت پدیده ای روان شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می باشد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است که افراد به صورت های گوناگون آن را تجربه می کنند (هزار جریبی، ۱۳۸۷: ۳۲).

با نگاهی به مستندات موجود در رابطه با وجود امنیت در مناطق مختلف در شهر تهران، به نظر می رسد که موقعیت محله و مناطق شهر تهران در ایجاد احساس امنیت اجتماعی برای زنان نقش کلیدی و مؤثری دارند. لذا می توان این مناطق را بر پایه کیفیت امنیت شهری و احساس امنیت طبقه بندی کرد. در برخی از مناطق تهران، که به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی فعالیتی، زمینه های مساعد تری برای بروز و تشدید ناامنی وجود دارد، شرایط زندگی اجتماعی مردم دچار مشکلات جدی شده است این شرایط عبارتند از: تراکم جمعیتی بالا، واحدهای مسکونی کوچک، فرسودگی و فشرده گی بیش از حد بافت مسکونی، شبکه معابر کم عرض، درآمد اندک ساکنان این مناطق و تنگی و خلوتی کوچه ها و حضور معنادان. که در این شرایط زنان ساکن در برخی مناطق را با مشکلاتی مواجه کرده است؛ همچون پایین بودن وضعیت امنیت شهری در محله و احساس ناامنی در بین آنان مواجه کرده است. با توجه به شرایط موجود در جامعه تهران و مناطق مختلف، این سوال در ذهن محقق ایجاد شده است که آیا عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان تاثیر گذار هست؟

با توجه به مطالب مطرح شده هدف اصلی تحقیق حاضر شناخت تاثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران است. ذیل هدف اساسی مذکور، اهداف فرعی زیر دنبال می گردد؛

۱- شناخت رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل فرهنگی مناطق

۲- شناخت رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و وضعیت تاهل

۳- شناخت رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و تحصیلات

۴- شناخت رابطه بین میزان احساس امنیت اجتماعی و مناطق مختلف

جستجوهای مکرر در منابع داخلی و خارجی نشان داد؛ تحقیقات کمی در رابطه با موضوع تحقیق و ارتباط متغیرها صورت گرفته است. مرور مجموعه ای از تحقیقات داخلی در ذیل آمده است.

زنجانی زاده (۱۳۸۰) از طریق یک پژوهش میدانی بر روی نمونه 720 نفری از زنان 15 سال و بالاتر شهر مشهد به مطالعه پژوهشی با عنوان «زنان و امنیت شهری» پرداخته است. محقق احساس امنیت در

میان زنان را در حد پایین ارزیابی می کند، هم چنین مشخص شد زنان متأهل، ساکنان مناطق بالای شهر در مقایسه با مناطق حاشیه ای و پایین و زنانی که به طور منظم و روزانه به سطح شهر می آیند احساس امنیت بیشتری دارند.

خوش فر (۱۳۸۰) پژوهشی را با عنوان «بررسی مشارکت مردم در ایجاد حفظ و گسترش امنیت اجتماعی» در استان مازندران، به انجام رسانده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که پاسخگویان در حد کم احساس امنیت می کنند؛ گرایش پاسخگویان نسبت به برقراری امنیت در حد کم است و کمترین احساس امنیت در بعد امنیت جانی و بیشترین احساس امنیت در بعد امنیت مالی است. مشارکت در تامین امنیت، طبقه اجتماعی و جنس بر احساس امنیت اجتماعی تاثیرگذار می باشد.

علیخواه و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت ترس زنان از جرم در فضاهای شهری در مناطق ۲۲گانه شهر تهران» نشان می دهد که حدود نیمی از زنان پاسخگو هنگام رفت و آمد در فضاهای عمومی شهری احساس امنیت ندارند. این میزان در بین زنان با تحصیلات و درآمد کم و زنان ساکن در محلات دارای زمین و ساختمانهای متروک بیشتر است. نوروزی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ سال شهر تهران» پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد متغیرهای احساس امنیت، محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تاثیر مثبت و مستقیم، و متغیر پایبندی مذهبی تاثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می دهد که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده ای داشتند.

ساروخانی (۱۳۹۱) با موضوع امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، با بررسی های گوناگونی نشان داده است که امنیت محله مسکونی بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات موثر و معنی داری دارد، و نیز اینکه متغیر حمایت اجتماعی در پژوهش آنها تاثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان از خود نشان داده است. همچنین زنانی که خانواده شان از آنها حمایت می کنند، نسبت به زنانی که مورد حمایت خانواده خود نیستند یا کمتر مورد حمایت خانواده هستند، احساس آرامش و امنیت اجتماعی بیشتری دارند.

کلدی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی موثر بر آن» را انجام داده است. یافته های این پژوهش نشان دهنده رابطه معنادار بین امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و متغیرهای پایبندی مذهبی، پوشش مناسب، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و رسانه های ارتباط فرهنگی، رابطه ای با احساس امنیت ندارند. تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان داد به طور کلی متغیرهای پیش بین حدود ۳۰ درصد واریانس

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

متغیر وابسته را تبیین می نمایند. همچنین وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت های خیابانی و همسرآزاری از مهمترین دغدغه های بسیاری از زنان این شهر را تشکیل می دهد. احمدی (۱۳۹۱) به بررسی پژوهشی با عنوان «احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنجند و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» پرداخته است. یافته های پژوهش حاکی از روابط معنادار بین امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان بود و متغیرهای پایبندی مذهبی، پوشش و حجاب مناسب، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و رسانه های ارتباط فرهنگی، رابطه ای را با احساس امنیت اجتماعی نشان ندادند. نتیجه اینکه، مؤلفه های امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنجند رابطه دارند.

موحد (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان» انجام داده است. جامعه آماری این تحقیق تمامی زنان شهر شیراز بود. روش تحقیق پیمایشی با ابزار پرسشنامه بوده است. شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای بوده است. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل عامل تحلیل شدند. یافته های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای: نگرش به حجاب، عزت نفس، وسایل ارتباط جمعی نوین، دینداری اعتقادی، پیامدی و مناسکی، سرمایه فرهنگی-آموزشی، فرهنگی-گردشگری و فرهنگی-اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که هفت متغیر: نگرش به حجاب، دینداری پیامدی، دینداری مناسکی، سرمایه فرهنگی-گردشگری، عزت نفس، دینداری اعتقادی و وسایل ارتباط جمعی نوین توانسته اند در مجموع ۱۷ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان شهر شیراز را تبیین نمایند.

شربتیان و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان کلانشهر مشهد» پرداخته اند. این پژوهش در بین زنان ۲۰ تا ۶۴ ساله، با حجم نمونه ۳۹۱ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده و خوشه ای در مناطق شهری شهر مشهد و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته انجام شده است. متغیرهای حمایت اجتماعی، نگرش فرد به خود، امنیت اقتصادی، نگرش به پوشش، مقاومت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و برنامه ریزی و طراحی شهری عواملی بودند که رابطه آنها با متغیر وابسته امنیت اجتماعی سنجیده شد. در نهایت با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره نشان داد که استفاده از رسانه های جمعی، نگرش به پوشش، طراحی و برنامه ریزی شهری، نگرش فرد به خود و امنیت اقتصادی با امنیت اجتماعی رابطه معنادار دارد. همچنین برای مقایسه امنیت اجتماعی در بین زنان شهر مشهد با توجه به منطقه محل سکونت، ابتدا جامعه آماری را به دو گروه تقسیم شد: گروه اول زنانی که در مناطق بالای شهر و گروه دوم زنانی که در مناطق پایین شهر مشهد سکونت داشتند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین مناطق محل سکونت زنان و امنیت اجتماعی

آنان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین در مدل تحلیل مسیر نشان داد که رسانه های جمعی بیشترین اثر را بر امنیت اجتماعی داشته است.

رویکرد نظری این تحقیق بر دو دسته از نظریات مربوط به عوامل فرهنگی و نظریات مربوط به امنیت اجتماعی استوار است. در نظریات مربوط به امنیت اجتماعی، نظریه آنتونی گیدنز تناسب بیشتری با اهداف پژوهش دارد. زیستن در دنیای متجدد کنونی زیستن در محیطی آکنده از شانس و خطرهای احتمالی است که اینها نیز از ملازمان اجتناب ناپذیر نظامی منعطف به تسلط بر طبیعت و ساختن و پرداختن تاریخ در پرتو بازتابندگی ها است. در چنین نظامی سرنوشت^۱ و تقدیر^۲ نقشی بر عهده ندارند، و گردش امور نظام (به طور اصولی) براساس راه و رسمی صورت می گیرد که می توان آن را کنترل آشکار دنیاهای طبیعی و اجتماعی به وسیله آدمیان نامید. جهان رویدادهای آینده عرصه ای گشاده است که هیات کلی آن را اعمال آدمیان ترسیم خواهد کرد- البته در پهنه ای که تا سرحد امکان از طریق ارزیابی خطرهای احتمالی تعیین و تنظیم شده باشد. با این حال، مفاهیم بخت و اقبال و سرنوشت به هیچ وجه در جامعه های جدید از بین نرفته است، و تحقیق در ماهیت آنها سرشار از پیامدهایی است که برای تحلیل مفاهیمی چون تجدد و هویت شخصی اهمیتی انکارناپذیر خواهند داشت (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

با توجه به ماهیت زندگی اجتماعی و فرهنگ جدید، گرایش کلی اینک معطوف به متقابل قرار دادن سرنوشت و گشادگی افق های آینده است. سرنوشت را به طور معمول نوعی جبر از پیش تعیین شده می دانند، و نگرش امروزی با چنین مفهومی در تقابل است. با این وصف، در همان حالی که مفهوم سرنوشت مستلزم آینده ای است که لااقل بخشی از آن پیشاپیش «مقرر» شده، التزام به نوعی مفهوم اخلاقی برای سرنوشت و همچنین التزام به نوعی نگرش باطنی^۳ به رویدادهای روزمره را نیز در بر دارد-و، در اینجا نگرش باطنی بدان معنا است که رویدادها را نباید فقط برحسب ارتباط های علی آنها با یکدیگر بلکه برحسب معنا و مفهوم کیهانی آنها هم در نظر گرفت. سرنوشت بدین معنا چندان ارتباطی با تقدیرگرایی به معنای رایج کلمه ندارد. تقدیرگرایی در حقیقت نفی تجدد و «امروزین شدن» است- یا، به معنای کنار گذاشتن و ترک هرگونه جهت گیری کنترل شده به سوی آینده، و در پیش گرفتن حالتی مبتنی بر این اصل که هر چه پیش آید خوش آید (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

در جامعه ای که از گذشته مرخصی می گیرد، روش های سنتی را کنار می نهد، و درها را به روی آینده ای مساله زا و ابهام آلود می گشاید، مفهوم «خطرکردن» جایگاهی مرکزی می یابد. این امر نه تنها در مورد مفاهیم نهادینه شده «خطرکردن» بلکه در موارد دیگر هم صادق است. بیمه یکی از عناصر هسته ای نظام اقتصادی دنیای متجدد است- به عبارتی دیگر، بیمه بخشی از پدیده همگانی تر است که

۱ fate

۲ fatalism

۳ esoteric

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

به کنترل زمان مربوط می شود و آن را آبادانی آینده^۱ خواهیم نامید. «گشادگی» امور و مسائلی که در آتیه فراخواهند رسید، بیانگر انعطاف پذیری دنیای اجتماعی و توانایی موجودات انسانی برای شکل دادن به محیط طبیعی زندگی ما است. آینده در همان حالی که ذاتا شناسایی ناپذیر تلقی می شود، و در ضمن به میزان فزاینده ای از گذشته فاصله می گیرد، آری همین آینده حکم سرزمینی بکر و تازه را پیدا می کند که سرشار از امکانات دست-ساخت است. هنگامی که این تصور در ذهن ها جا افتاد، هجوم مهاجران از طریق اندیشه های سازنده و خطرپذیری های حساب شده به سوی آن سرزمین ناشناخته آغاز می گردد. محاسبه خطرهای احتمالی هرگز کامل و عاری از عیب و نقص نخواهند بود، چون حتی در خطرکردن های نسبتاً محدود نیز همواره امکان برخورد با پیشامدهای غیرارادی و پیش بینی نشده وجود خواهد داشت. در محیط هایی که تقدیر از آن رخت بر بسته است، هر عملی، حتی عملی که کاملاً تابع الگوهای رسمی و جاافتاده باشد، به طور اصولی از نظر خطرهای احتمالی «قابل محاسبه» است- نوعی ارزیابی خطرهای احتمالی در مورد تقریباً همه عادت ها و فعالیت های جاری، از نظر عواقب مترتب بر آنها، امکان پذیر به نظر می رسد. ورود ناخوانده نظام های مجرد به حیطه زندگی روزمره، همراه با ماهیت پویای معرفت، بدان معنا است که آگاهی از خطرهای احتمالی به عمق کنش های هر کس و همه کس راه یافته است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۶۱). لحظات سرنوشت ساز، یا لاقل آن دسته از امکانات که به نظر شخص سرنوشت سازاند، معمولاً بعضی خطرهای احتمالی را هم در بر دارند. در طی چنین لحظاتی است که غریو بخت یا سرنوشت به گوش می رسد. در سنتی ترین جوامع باستانی، به مجرد فرارسیدن لحظات سرنوشت ساز به سروش غیب یا پیشگویان متوسل می شدند یا نیروهای ربانی را به شفاعت می طلبیدند. به هنگام نزدیک شدن لحظات یا تصمیم گیری های سرنوشت ساز مردم به طور معمول به کارشناسان و خبرگان امور روی می آوردند. کارشناسی در واقع وسیله ای است که به یاری آن موقعیت بخصوصی، مثلاً یک تشخیص پزشکی، را «سرنوشت ساز» اعلام می کنند. با این حال، به ندرت می توان موقعیت هایی را یافت که در آنها صرفاً براساس توصیه های کارشناسان تصمیم هایی قاطع در مورد راه حل های مطلوب، اتخاذ گردد. اطلاعات حاصل از نظام های مجرد ممکن است در مورد ارزیابی خطرهای احتمالی مفید واقع شوند، ولی در آخرین مرحله شخص مورد نظر است که باید خطرهای احتمالی را بپذیرد و تصمیم لازم را اتخاذ نماید. اتخاذ تصمیم های سرنوشت ساز، برحسب تعریف، امری است بسیار دشوار، زیرا شخص تصمیم گیرنده در عمل با مخلوطی از مسائل بغرنج و مترتب بر آنها سروکار دارد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

برحسب معیارهای اساسی امنیت زندگی، عناصر کاهش دهنده خطرها بسی بیشتر از خطرهای احتمالی جدید بر کیفیت زندگی بشری موثر واقع شده اند. این واقعیت را از راه های گوناگونی می توان

۴- colonisation of the future

مورد بررسی و سنجش قرار داد. یکی از راه‌ها عبارت است از تعیین چگونگی گذران زندگی جمعیتی که در ۱۹۰۷ متولد شده بودند، با این فرض که خطرهای تهدیدهای حاکم بر زندگی افراد در سال ۱۹۰۷ همچنان ادامه می‌یافت و، سپس، مقایسه این طرز زندگی مفروض با شیوه زندگی واقعی همان جمعیت در طی هفتاد سال مورد بحث. این مقایسه، چنانچه متکی به آمار و ارقام قابل اعتماد باشد، نشان خواهد داد که تا سن بیست سالگی تفاوت محسوسی از نظر درصد بقا بین دو طرز زندگی مورد قیاس وجود نخواهد داشت. پس از این سن، منحنی «واقعی» بقای نسل به طرز محسوس بالایی منحنی «مفروض» قرار خواهد گرفت و سیر صعودی خود را به خصوص در اواخر دوره به سرعت ادامه خواهد داد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

افراد می‌کوشند تا آینده را، به عنوان بخشی از برنامه ریزی زندگی خود، به سود خویش سامان دهند و بر آن تسلط یابند. اما راجع به آینده گروهی، دقیقاً نمی‌توان پیش‌بینی کرد که تا چه حد می‌توان بر آن تاثیر گذاشت و در هر حال ارزیابی خطرهای احتمالی این امر لزوماً جزئی از کل خواهد بود و بنابراین از بوالهوسی‌های حساب احتمالات در امان نخواهد ماند. همه افراد پرونده‌ای از خطرهای احتمالی برای خود ترتیب می‌دهند که ممکن است کم و بیش روشن، طبقه بندی شده، مستند و «باز» باشد یا، برعکس، براساس حفظ وضع موجود تنظیم شده باشد. اندیشیدن براساس خطرهای احتمالی کم و بیش اجتناب‌ناپذیر می‌شود و بیشتر مردم، حتی اگر هم بتوانند چشم بر این گونه خطرها فروبندند، به این آگاهی خواهند رسید که امتناع از اندیشیدن بر این روال چه خطرهایی در بر خواهد داشت. در دوران کنونی تجدد، زیستن با استفاده از سیستم‌های «هدایت خودکار»^۱ بیش از پیش دشوارتر و غیرعملی‌تر می‌شود و امکان حفظ و تداوم بی‌قید و شرط هر نوع شیوه زندگی (هر اندازه ریشه دار و مستقر هم باشد) روز به روز کمتر می‌گردد.

درباره این نکته نباید دچار بدفهمی شد. ارزیابی خطرهای احتمالی به طور کلی در سطح خودآگاهی عملی صورت می‌گیرد و، همان‌طور که اندکی دورتر خواهیم دید، پيله حمایتی مبتنی بر اعتماد بنیادین راه را بر بسیاری از رویدادهای بالقوه اختلال‌زا که زندگی فردی را مشوش می‌سازند می‌بندد. «راحت بودن» در دنیا مسلماً در دوران تجدد کنونی چندان آسان نیست-دورانی که در آن چارچوب‌های «مراقبتی» و توسعه «ماجرای مشترک» به میزان زادی حاصل بازتاب‌های اجتماعی و جهانی هستند. ولی همین ماجراها اغلب موقعیت‌هایی را فراهم می‌آورند که در متن آنها امنیت وجودی به طرز نسبتاً بی‌دردسر-لااقل برای دوره‌های ویژه‌ای از زندگی فرد-حفظ می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

برای موجودات انسانی، این محیط پیرامونی شامل چیزی بیشتر از محیط طبیعی اطراف آنها است، و تا فواصل زمانی و فضایی نامعینی امتداد می‌یابد. این محدوده نامعین، براساس اصطلاح مورد علاقه

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

شوتر^۱، متناظر با نظام ارتباط های^۲ ویژه ای است که چارچوب زندگی فرد را تشکیل می دهد. افراد انسانی تقریباً به طور دائم مترصد علامت هایی هستند که فعالیت های روزمره آنها را به اشخاص یا رویدادهایی دوردست و همچنین به طرح ها و برنامه های مقاطع زمانی مختلف زندگی آنان مرتبط می سازند. محیط پیرامونی در حقیقت دنیای «متحرک»ی متشکل از عادیات روزمره است که فرد آنها را مرحله به مرحله در اطراف خود سازمان می دهد، هر چند همین امر نیز وابسته به امور دیگری است که این دنیای پیرامونی را تایید می کنند یا در شکل گرفتن آن نقش دارند. فرد به طور کلی نوعی «حریم ارتباطی موج»^۳ برای خود به وجود می آورد که رویدادهای احتمالی ناشی از خطرها و هشدارهای بالقوه را تا حدودی تحت کنترل قرار می دهد. حرکت زمانی-فضایی یا، به عبارت دیگر، تحرک طبیعی بدن از موقعیتی به موقعیت دیگر، توجه فرد را روی ویژگی های طبیعی زمینه مورد نظر متمرکز می سازد، ولی خطرهایی که برحسب قرائن و امارات تشخیص داده می شوند. در ارتباط با منابع خطرآفرین پراکنده تری مورد کنترل و نظارت قرار می گیرند. به طور خلاصه، در اوضاع و احوالی که جهانی شدنی امور اجتماعی و انفرادی مدام گسترش می یابد، محیط پیرامونی شامل آگاهی از خطرهای بسیار مهم نیز می شود- خطرهایی که هیچکس در هیچ گوشه عالم از عواقب آنها در امان نخواهند ماند (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

طبق نظریه های گیدنز با دو بحث مدرنیسم و مدرنیزاسیون روبرو هستیم. مدرنیسم یعنی اندیشه نو و تفکر نو، که بیشتر به بحث های فرهنگی می پردازد. اما مدرنیزاسیون بحث های کالبدی است. وی درباره از جاکندگی، جاگیری، مدرن شدن جامعه و جامعه مخاطره آمیز نظریه هایی ارائه داده است. تاکید محقق براساس نظریه گیدنز است که در مورد مقوله امنیت و اجتماعی شدن بحث کرده است. عوامل فرهنگی این تحقیق به چهار مولفه پایگاه اجتماعی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن و پایداری دینی تقسیم شده اند.

همانطور که نظریه وی مبتنی بر موضوع امنیت بود، چارچوب نظری این تحقیق براساس دیدگاه آنتونی گیدنز است. به اعتقاد او جوامع درگذار از سنتی به مدرن دچار تحولاتی مانند: از جاکندگی (Embadding) و جاگیری (Rebadding) می شوند. بنابراین پدیده ای مانند امنیت اجتماعی نیز دستخوش تحولات می شود و زنان نیز تحت تاثیر این تحولات قرار می گیرند.

هدف این پژوهش تاثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر تهران است، که متغیر وابسته (Y) «میزان احساس امنیت اجتماعی زنان» و «عوامل فرهنگی» به عنوان متغیر مستقل

۶ schutz

۷ system of relevances

۸ moving wave-front of relevance

(X1) در نظر گرفته شده است. تحقیق در مناطق پنج گانه شهر تهران (مناطق ۱، ۴، ۵، ۶ و ۱۵) انجام شده و گروه هدف زنان ۱۸ سال به بالای شهر تهران است.

باتوجه به ادبیات نظری تحقیق و پیشینه تجربی فرضیات تحقیق به صورت زیر طراحی گردید؛ فرضیه اصلی: بین عوامل فرهنگی و احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه های فرعی:

- فرضیه ۱- بین احساس امنیت اجتماعی زنان و عوامل فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۲- بین احساس امنیت اجتماعی زنان و وضعیت تاهل رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۳- بین احساس امنیت اجتماعی زنان و تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ۴- بین احساس امنیت اجتماعی زنان و مناطق مختلف رابطه معناداری وجود دارد.

ابزار و روش

روش مطالعه حاضر کمی و از شاخه پیمایشی است و برحسب زمان مقطعی، نوع تحقیق براساس معیار هدف کاربردی می باشد و برحسب ابزار آن را جزء اسنادی-میدانی قرار می دهیم. ابزار گردآوری اطلاعات با تکنیک پرسشنامه انجام می شود که پرسشنامه محقق ساخته (سوالات بسته و طیف) خواهد بود و نیازمند آن است که موارد مورد مطالعه در زمان پژوهش در جامعه حضور داشته باشند است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان بالای ۱۸ سال شهر تهران می باشد که بالغ بر ۴۳۶۹۵۵۱ نفر می باشند (اطلاعات سرشماری سایت مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶). در این بخش پژوهشگر با توجه به حجم، ساختار و عناصر تشکیل دهنده جمعیت آماری اقدام به تعیین اندازه و حجم نمونه می کند. برای انتخاب حجم نمونه نیز در بین افراد جامعه آماری از فرمول عمومی کوکران استفاده شده است بدین ترتیب برطبق محاسبه این فرمول رابطه (۱-۳) تعداد $n=384$ نفر به عنوان حجم نمونه به دست می آید. تحقیق در کلانشهر تهران انجام شده است. شهر تهران به ۵ پهنه جغرافیایی شامل: شمال منطقه ۱، جنوب منطقه ۱۵، شرق منطقه ۴، غرب منطقه ۵ و مرکز منطقه ۶ تقسیم گردید. به منظور نمونه گیری از شیوه خوشه ای چندمرحله ای استفاده شده است که بدین منظور ابتدا تهران به لحاظ محدوده جغرافیایی به ۵ قسمت (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم کردیم، سپس در هر محدوده جغرافیایی یک منطقه انتخاب شد، به نحوی که در شمال تهران منطقه یک، در شرق منطقه ۴، در مرکز منطقه ۶، در غرب منطقه ۵ و در جنوب تهران منطقه ۱۵ به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس در هر منطقه ۳ ناحیه به صورت انتخاب و در هر ناحیه چند محله و بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد، سپس پرسشگران با مراجعه به درب منازل به نظر سنجی از زنان پرداختند. در این

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

پژوهش از اعتبار صوری¹ (محتوایی) استفاده شده است که بدین منظور از نظر کارشناسان و متخصصان آگاه به موضوع بهره گرفته شده است. همچنین به منظور سنجش اعتبار سازه² ابزار سنجش از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم افزار مدلسازی معادلات ساختاری لیزرل (LISREL) نیز استفاده شده است. در این قسمت به منظور سنجش مفهوم عوامل فرهنگی چهار بعد (پایگاه اقتصادی-اجتماعی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن و پایبندی دینی) و چندین گویه در نظر گرفته شده بود. طیف مورد استفاده لیکرت و بصورت شش درجه ای، اصلاً (۱)، خیلی کم (۲)، کم (۳)، متوسط (۴)، زیاد (۵)، خیلی زیاد (۶) تنظیم شدند. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق به صورت زیر است:

عوامل فرهنگی

تعریف مفهومی: عوامل فرهنگی شامل چهار بعد می باشد: ۱- پایگاه اقتصادی-اجتماعی: به دسترسی فرد به منابع گوناگون پیوندهای اجتماعی و خصوصیات های اجتماعی مرتبط با شغل و منزلت آنها اشاره دارد (مظلوم خراسانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

۲- باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت: جنسیت به تفاوت های روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان در هر جامعه مربوط می شود (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۹۲).

۳- مدیریت بدن: به معنای نظارت و تغییر مستمر ویژگی های ظاهری و مرئی بدن است (ارمکی، چاوشیان، ۱۳۸۱).

همچنین به معنای نظارت و مراقبت و دست کاری مستمر ویژگی های ظاهری و مرئی بدن است (چاوشیان ۱۳۸۱: ۸۸) شاخصی هایی نظیر آرایش مو و صورت و ناخن، استفاده از عینک آفتابی، عطر و ادکلن، عمل های زیبایی و

۴- پایبندی دینی: براساس الگوی گلاک و استارک، دینداری دارای چهار بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی است. یک بعد اعتقادی: شامل اعتقادات و باورهای اصلی و پایه ای دین اسلام است که اصول بنامیم. شاخص های این بعد شامل اعتقاد به «ایمانیات» دین اطلاق

1 Face Validity

2 Construct Validity

می شود و می توانیم آن را خدا، اعتقاد به پیامبران، اعتقاد به ملائکه، اعتقاد به روز قیامت (روز حساب) و ایمان به قرآن و کتب آسمانی است.

دو) بعد مناسکی: مربوط به تکالیف و وظایف عبادی فرد است و می توان آن را در دو جنبه فردی و جمعی مطرح کرد. مهم ترین مؤلفه های آن می تواند شامل ادای نمازهای یومیه، روزه گرفتن در ماه رمضان، خواندن قرآن، شرکت در نمازهای جماعت و جمعه و همچنین شرکت در مراسم مذهبی باشد.

سه) بعد تجربی: ناظر بر ایمان و نزدیکی درونی به خداوند است. عمده ترین شاخصهایی که به نظر می رسد برای آزمون تجربه دینی فرد لازم است عبارتند از: خوف و رجا، طلب استغفار و پناه بردن به خدا.

چهار) بعد پیامدی: منظور از این بعد، رفتارهایی است که در حاشیه دینداری مطرح است و نشانه ای از التزام فرد به سایر ابعاد دینداری است. در برخی موارد، این بعد در معرض اختلاط با سایر ابعاد (به ویژه بعد مناسکی) قرار می گیرد. شاخصهایی که برای این بعد در نظر گرفته شده، عبارتند از: پرهیز از محرّمات (مشروبات الکلی، دوستی با جنس مخالف، بدحجابی) و دفاع از دین (جان فشانی در راه دین و اعتقاد به قابل اجرا بودن دین در جامعه) (گلاک و استارک، ۱۹۶۵).

تعریف عملیاتی: منظور از عوامل فرهنگی در این تحقیق عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان ساکن در مناطق ۱، ۴، ۵، ۶ و ۱۵ هست که شامل ۴ مولفه پایگاه اقتصادی اجتماعی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن و پایبندی دینی می باشد. در پرسشنامه سوالات جمعیت شناختی و سوال ۳ و ۴ این متغیر را می سنجد.

احساس امنیت اجتماعی

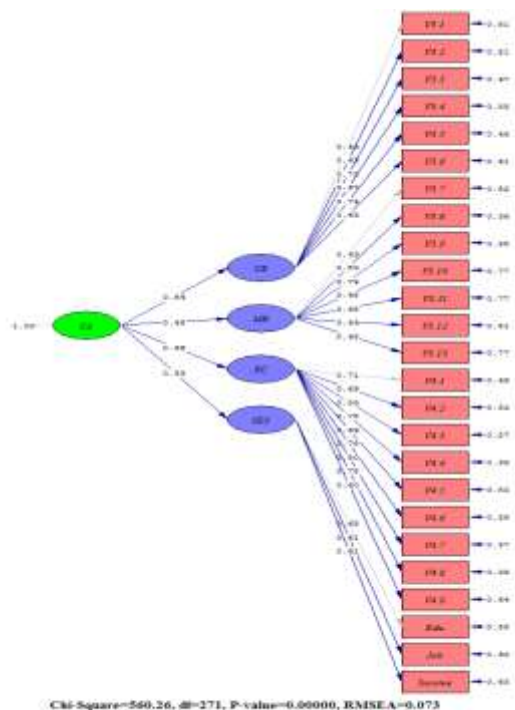
تعریف مفهومی: امنیت اجتماعی را دارای نقشی اساسی در ساختار امنیتی شهری می دانند، چرا که به واسطه قرارگیری انسانها در کنار هم و میزان تعاملات و کنش های اجتماعی و ارتباطی شکل می گیرد (جهانیان، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۲). احساس امنیت اجتماعی عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی زنان در مورد اینکه در زندگی روزمره خود چقدر در برابر خطرات احتمالی و مزاحمت دیگر افراد جامعه مصونیت دارند (مظلوم خراسانی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

تعریف عملیاتی: در این تحقیق به منظور سنجش احساس امنیت اجتماعی زنان سؤالاتی در قالب طیف لیکرت طراحی شده است، سؤالات ۱ تا ۱۳ این متغیر را می‌سنجد. یعنی زنان ساکن در مناطق ۱، ۴، ۵، ۶ و ۱۵ تا چه حدی از احساس امنیت در مورد حفاظت از خود، خانواده و دوستان، برخوردارند. نتایج حاصل از اجرای مدل سنجش مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مفهوم عوامل فرهنگی به شرح زیر می‌باشد.

جدول (۱): معرفی متغیرهای مدل سنجش عوامل فرهنگی

گویه	شاخص	مفهوم
Job شغل؛ تحصیلات؛ Education Income درآمد؛	پایگاه اقتصادی-اجتماعی (SES) <i>Social-Economic Status</i>	عوامل فرهنگی (CF) <i>Cultural Factors</i>
V3.1 تا V3.6	باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت (CB) <i>Cultural Beliefs Based on Gender</i>	
V3.7 تا V3.13	مدیریت بدن (MB) <i>Management Body</i>	
V4.1 تا V4.9	پابندی دینی (RC) <i>Religious Commitment</i>	



(شکل ۱) مدل سنجش شاخص تحلیل عاملی تأییدی مفهوم عوامل فرهنگی (در حالت استاندارد)

بررسی شاخص‌های برازش

جدول ذیل نتایج شاخص‌های حاصل از اجرای مدل را نشان می‌دهند؛

جدول (۲): شاخص‌های برازش مدل سنجش عوامل فرهنگی

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه آزادی	χ^2/df	۲۰۰۶۷	<۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰۰۹۶	>۰۰۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰۰۹۵	>۰۰۹۰	مطلوب
۳	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰۰۹۴	>۰۰۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰۰۹۵	>۰۰۹۰	مطلوب
۵	ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰۰۷۳	<۰۰۰۸	مطلوب

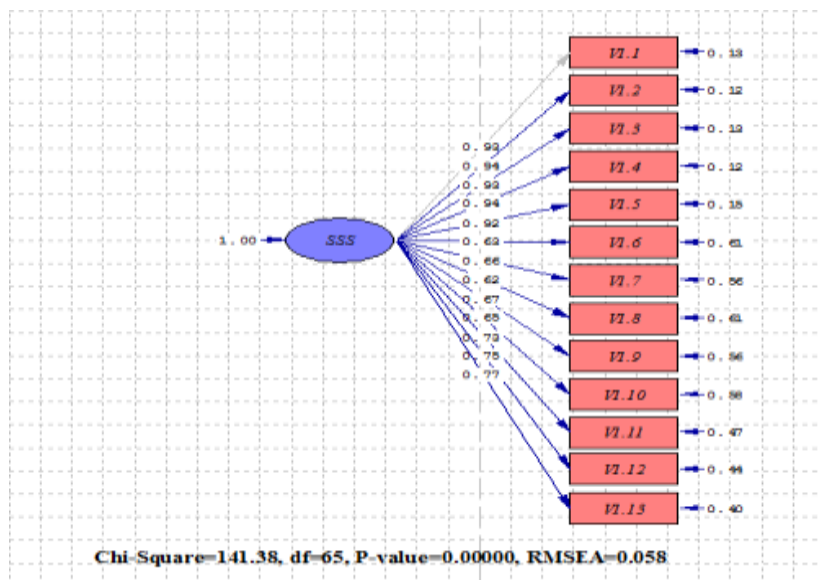
تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

با توجه به شاخص‌های برازش که در جدول (۳-۴) ارائه شده، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲.۰۶۷ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ مطلوب می‌باشد، همچنین ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (*RMSEA*) نیز می‌بایستی کمتر از ۰.۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰.۰۷۳ است. میزان شاخص‌های نکویی برازش *GFI* و *AGFI* و *CFI* و *NFI* نیز باید بیشتر از ۰.۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰.۹۶ و ۰.۹۵ و ۰.۹۴ و ۰.۹۵ است. لذا با توجه به شاخص‌های برازش و همچنین بارهای عاملی که همگی بالای ۰.۳ می‌باشند، می‌توان گفت، معرف‌های انتخاب شده برای سنجش مفهوم عوامل فرهنگی از روایی لازم برخوردار می‌باشند و به خوبی می‌توانند مفهوم مذکور را بسنجند.

در این قسمت به بررسی روایی گویه‌های سازنده شاخص احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است، به منظور سنجش این مفهوم سیزده گویه در نظر گرفته شده بود. نتایج حاصل از اجرای مدل سنجش مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول مفهوم احساس امنیت اجتماعی به شرح زیر می‌باشد؛

جدول (۳): معرفی متغیرهای مدل سنجش احساس امنیت اجتماعی

گویه	مفهوم
VI.13 و VI.1	احساس امنیت اجتماعی (SSS) Sense of Social Security



(شکل ۲) مدل سنجش شاخص تحلیل عاملی تأییدی مفهوم احساس امنیت اجتماعی (در حالت استاندارد)

بررسی شاخص‌های برازش

جدول ذیل نتایج شاخص‌های حاصل از اجرای مدل را نشان می‌دهند؛

جدول (۴): شاخص‌های برازش مدل سنجش احساس امنیت اجتماعی

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه آزادی	χ^2/df	۲.۱۷۵	<۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰.۹۸	>۰.۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰.۹۴	>۰.۹۰	مطلوب
۳	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰.۹۸	>۰.۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۷	>۰.۹۰	مطلوب
۵	ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰.۰۵۸	<۰.۰۸	مطلوب

با توجه به شاخص‌های برازش که در جدول (۳-۶) ارائه شده، مقدار χ^2/df محاسبه شده ۲.۱۷۵ است، وجود χ^2/df کوچکتر از ۳ مطلوب می‌باشد، همچنین ریشه خطای میانگین

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

مجذورات تقریب ($RMSEA$) نیز می‌بایستی کمتر از ۰.۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰.۰۵۸ است. میزان شاخص‌های نکویی برازش GFI و $AGFI$ و CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰.۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰.۹۸ و ۰.۹۴ و ۰.۹۸ و ۰.۹۷ است. لذا با توجه به شاخص‌های برازش و همچنین بارهای عاملی که همگی بالای ۰.۳ می‌باشند، می‌توان گفت، معرف‌های انتخاب شده برای سنجش مفهوم احساس امنیت اجتماعی از روایی لازم برخوردار می‌باشند و به خوبی می‌توانند مفهوم مذکور را بسنجند.

جدول (۵) ضرایب پایایی مفاهیم تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ	ایجاد	آلفای کرونباخ
عوامل فرهنگی	۰.۸۱۸	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰.۷۶۵
		باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	۰.۷۷۷
		مدیریت بدن	۰.۷۴۵
		پابندی دینی	۰.۸۹۹
احساس امنیت اجتماعی	۰.۷۸۷		

همانطور که در جدول فوق مشخص است میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای شاخص‌های تحقیق بزرگتر از ۰.۷۰ می‌باشند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مطلوب بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است و بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق انجام شده از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

در این بخش به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است، که در قسمت یافته‌های توصیفی به خلاصه کردن اطلاعات در قالب جدول توزیع فراوانی، نمایش نمودارها و ارائه شاخص‌های آماری مرکزی (میانگین) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) استفاده شده است، بعد از ارائه یافته‌های توصیفی متغیرهای دموگرافیک (جمعیت شناختی) به ارائه یافته‌های توصیفی متغیرها و مفاهیم اصلی تحقیق عوامل فرهنگی و احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است، برای ساختن مفاهیم

مذکور ابتدا با استفاده از دستور کامپیوت^۱، امتیاز کل ابعاد و پرسش‌های مربوط به هر مفهوم با لحاظ کردن جهت‌های مثبت و منفی سنجه‌ها با یکدیگر جمع گردید و از این طریق دامنه تغییرات توزیع نمرات به هر مفهوم مشخص گردید، سپس میانگین نمرات در هر شاخص محاسبه شد. در بخش یافته‌های استنباطی نیز ابتدا به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف به بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق پرداخته شده است، سپس به منظور بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون‌های پارامتریک همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی استفاده شده است و به منظور مقایسه احساس امنیت اجتماعی به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی (سن، وضعیت تأهل، قومیت، تحصیلات، منطقه محل سکونت) از آزمون‌های تی مستقل و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است.

یافته‌ها

همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، به منظور پوشش بهتر جامعه آماری، افراد جمعیت مورد مطالعه از پنج محدوده جغرافیایی شهر تهران و به نسبت مساوی (هر کدام ۲۰ درصد) انتخاب شده‌اند.

جدول (۶): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه محل سکونت

شرح	فراوانی	درصد
شمال (منطقه ۱)	۷۷	۲۰.۱
شرق (منطقه ۴)	۷۶	۱۹.۸
مرکز (منطقه ۶)	۷۷	۲۰.۱
غرب (منطقه ۵)	۷۷	۲۰.۱
جنوب (منطقه ۱۵)	۷۷	۲۰.۱
جمع	۳۸۴	۱۰۰

مشاهده می‌شود افرادی که در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال هستند بیشترین فراوانی (۳۲ درصد) و افرادی که در رده سنی بالای ۵۵ سال هستند کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (۶

1- Compute

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

درصد). رنج سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ۷۲ سال بوده است که به طور متوسط حدوداً ۳۸ ساله بوده‌اند.

افرادی که دارای تحصیلات لیسانس (۳۷ درصد) هستند بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند که افرادی که دارای تحصیلات دکتری (۳ درصد) هستند کمترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند.

نتایج حاصل از سنجش وضعیت تأهل حاکی از این است که اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه (۶۰ درصد) متأهل و مابقی (۴۰ درصد) مجرد بوده‌اند.

افرادی که دارای درآمد بین ۱ تا ۱.۵ میلیون تومان هستند بیشترین فراوانی (۲۸ درصد) و افرادی که دارای درآمد بین ۱.۵ تا ۲ میلیون تومان هستند کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند (۱۲ درصد). رنج درآمد ماهیانه پاسخگویان بین ۰ تا ۵ میلیون تومان بوده است و به طور متوسط حدوداً دارای درآمد ۱.۴ میلیون تومان بوده‌اند.

برای ساختن مفهوم احساس امنیت اجتماعی ۱۳ گویه در نظر گرفته شده است و به منظور ساخت شاخص ابتدا امتیاز کل ۱۳ پرسش مربوط به این مفهوم را با لحاظ کردن جهت‌های مثبت و منفی سنج‌ها با یکدیگر جمع گردید، سپس میانگین نمرات بدست آمد. بنابراین دامنه تغییرات توزیع نمرات مفهوم ساخته شده بین ۱ تا ۶ می‌شود که متوسط دامنه تغییرات نمرات عدد ۴ می‌شود. لازم به ذکر است نمرات بالاتر به منزله احساس امنیت اجتماعی بیشتر پاسخگویان می‌باشد، نتایج جدول زیر حاکی از این است که با توجه به اینکه میانگین مفهوم احساس امنیت اجتماعی (۳.۳۰) از متوسط مفروض (۴) کمتر است، پس در مجموع باید گفت میزان احساس امنیت اجتماعی نمونه تحقیق در حد پائینی می‌باشد.

جدول (۱۱): آماره‌های توصیفی شاخص احساس امنیت اجتماعی

شاخص	مقدار
میانگین (Mean)	۳.۳۰
انحراف معیار (SD)	۰.۶۵
کمترین نمره (Min)	۱
بیشترین نمره (Max)	۶

در این تحقیق ارزیابی از عوامل فرهنگی در چهار بعد (پایگاه اقتصادی-اجتماعی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن و پایبندی دینی) مورد سنجش قرار گرفته است. برای ساختن مفهوم عوامل فرهنگی چهار بعد و ۲۵ گویه در نظر گرفته شده است و به منظور ساخت شاخص ابتدا امتیاز کل ۲۵ پرسش مربوط به این مفهوم را با لحاظ کردن جهت‌های مثبت و منفی سنجه‌ها با یکدیگر جمع گردید سپس میانگین نمرات بدست آمد. بنابراین دامنه تغییرات توزیع نمرات مفهوم ساخته شده بین ۱ تا ۵ می‌شود که متوسط دامنه تغییرات نمرات عدد ۳ می‌شود. لازم به ذکر است نمرات بالاتر به منزله عوامل فرهنگی مطلوب‌تر می‌باشد، نتایج نشان داد که با توجه به اینکه میانگین عوامل فرهنگی زنان (۳.۰۹) از متوسط مفروض (۳) بیشتر است پس باید گفت، مطلوبیت عوامل فرهنگی در بین زنان جمعیت مورد مطالعه متوسط رو به بالا می‌باشد

جدول (۱۲): آماره‌های توصیفی شاخص عوامل فرهنگی

شاخص	مقدار
میانگین (<i>Mean</i>)	۳.۰۹
انحراف معیار (<i>SD</i>)	۰.۳۶
کمترین نمره (<i>Min</i>)	۱
بیشترین نمره (<i>Max</i>)	۵

بررسی توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد شاخص عوامل فرهنگی

پایگاه اقتصادی اجتماعی: نتایج جدول زیر حاکی از این است که در مجموع پاسخگویان جمعیت مورد مطالعه از پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط رو به پائینی برخوردار بوده‌اند.

باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت: نتایج حاصل از جدول زیر در خصوص این بعد نشان داد که زنان نمونه تحقیق از باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت پائینی برخوردارند (لازم به ذکر است نمره بالاتر در این شاخص به معنای پائین بودن باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت می‌باشد).

مدیریت بدن: نتایج حاکی از این است که میزان اهمیت دادن زنان نمونه تحقیق به مدیریت بدن در حد متوسط رو به پائینی می‌باشد، چرا که میانگین مدیریت بدن کمتر از متوسط مفروض می‌باشد.

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

پایبندی دینی: از آنجا که میانگین این بعد از متوسط مفروض بیشتر شده است، لذا می‌توان گفت میزان پایبندی دینی در نمونه تحقیق در حد متوسط رو به بالایی می‌باشد.

جدول (۱۳): آماره‌های توصیفی ابعاد شاخص عوامل فرهنگی

شاخص	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۲.۷۰	۰.۹۰	۱	۵
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	۳.۵۱	۰.۷۵	۱	۵
مدیریت بدن	۲.۷۴	۰.۷۰	۱	۵
پایبندی دینی	۳.۲۰	۰.۹۳	۱	۵



نمودار (۱) میانگین ابعاد عوامل فرهنگی

جدول (۱۴): بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	Z	سطح معنی‌داری
احساس امنیت اجتماعی	۰.۱۵۶	۰.۰۶۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰.۱۶۵	۰.۱۰۷
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	۰.۱۵۵	۰.۰۶۳
مدیریت بدن	۰.۱۲۳	۰.۲۰۰
پایبندی دینی	۰.۱۴۷	۰.۱۱۲
عوامل فرهنگی	۰.۱۲۴	۰.۲۰۴

به منظور آزمون فرضیات تحقیق قصد داریم از آزمون‌های پارامتریک (همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و تی مستقل و تحلیل واریانس) استفاده کنیم، لذا شرط اول بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها است، از این رو ابتدا به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف به بررسی نرمال بودن داده‌های متغیرهای تحقیق پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به قرار زیر است:

جدول (۱۵): بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق به کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	Z	سطح معنی‌داری
احساس امنیت اجتماعی	۰.۱۵۶	۰.۰۶۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰.۱۴۵	۰.۱۰۷
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	۰.۱۵۵	۰.۰۶۳
مدیریت بدن	۰.۱۲۳	۰.۲۰۰
پابندی دینی	۰.۱۴۷	۰.۱۱۲
عوامل فرهنگی	۰.۱۲۴	۰.۲۰۴

همانطور که در جدول فوق گزارش شده است، سطح معنی‌داری همه متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰.۰۵ است، پس می‌توان گفت که توزیع داده‌های مربوط به متغیرها نرمال است.

فرضیه اول: "عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان تأثیر معناداری دارد".

به منظور بررسی تأثیر عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان ابتدا به کمک آزمون همبستگی پیرسون و با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم به بررسی رابطه بین ابعاد عوامل فرهنگی زنان با احساس امنیت اجتماعی آنها پرداخته شده است که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول (۱۶): ماتریس همبستگی پیرسون بین ابعاد عوامل فرهنگی زنان با احساس امنیت اجتماعی آنها

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	احساس امنیت اجتماعی	-۰.۰۷۳	۰.۲۲۱
مدیریت بدن		۰.۴۴۶	۰.۰۰۱
پابندی دینی		-۰.۲۱۱	۰.۰۰۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی		۰.۲۳۰	۰.۰۰۱

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

همانطور که قبلاً گفته شده بود در پژوهش حاضر منظور از تأثیر عوامل فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی زنان این است که احساس امنیت اجتماعی زنان تا چه حد تحت تأثیر عوامل فرهنگی آنان می‌باشد، لذا به منظور بررسی فرضیه مذکور متغیرهای باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن، پایبندی دینی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی را به عنوان معرف‌های عوامل فرهنگی در نظر گرفته و درصددیم تأثیر پذیری احساس امنیت اجتماعی زنان را از ابعاد مذکور مورد بررسی قرار دهیم. نتایج حاصل از بررسی روابط بین ابعاد عوامل فرهنگی با احساس امنیت اجتماعی زنان حاکی از این است که از سه بعد عوامل فرهنگی (مدیریت بدن، پایبندی دینی و پایگاه) با احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط دارد، اما باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری ندارد. شایان ذکر است از بین سه بعدی که با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه داشته‌اند، دو بعد (مدیریت بدن و پایگاه) رابطه مستقیم و معناداری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. به بیانی دیگر زنانی که اهمیت بیشتری به مدیریت بدن می‌دهند، با شدتی متوسط احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد ($r = 0.446, p < 0.01$). همچنین زنانی از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، با شدتی ضعیف احساس امنیت اجتماعی زنان نیز افزایش می‌یابد ($r = 0.230, p < 0.01$).

اما متغیر میزان پایبندی دینی با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معکوسی دارد، به بیانی دیگر زنانی که از پایبندی دینی بیشتری برخوردار بوده‌اند، احساس امنیت اجتماعی آنان با شدتی ضعیف کاهش می‌یابد ($r = -0.211, p < 0.01$).

در ادامه و به منظور بررسی تأثیر عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان از رگرسیون خطی ساده انجام شد که نتایج حاصل از به قرار جدول است؛

جدول (۱۷) مشخص‌کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی

شاخص	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره فشر	سطح معنی‌داری
	(R)	(R ²)	(R ² _{Adj})	(F)	(Sig)
مدل	۰.۲۷۲	۰.۰۷۴	۰.۰۷۰	۲۱.۷۵۰	۰.۰۰۱

بر طبق اطلاعات جدول فوق همانطور که ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین عوامل فرهنگی زنان با احساس امنیت اجتماعی آنان ۰.۲۷۲ است که با توجه به مقدار ضریب تعیین

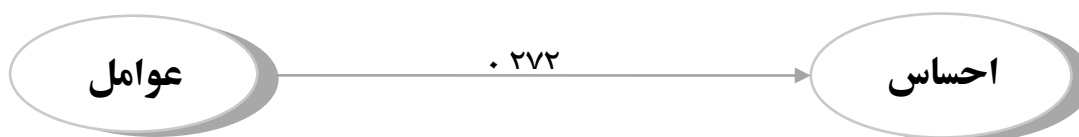
مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، بهار ۱۳۹۷

می‌توان گفت حدود ۷ درصد از تغییرات احساس امنیت اجتماعی زنان توسط عوامل فرهنگی آنان قابل تبیین است.

جدول (۱۸): میزان و جهت تأثیر عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	t	سطح معنی‌داری
عدد ثابت	۷۲.۳۹۹	۳.۱۸۴	-	۲۲.۷۴۱	۰.۰۰۱
عوامل فرهنگی	۰.۶۹۳	۰.۱۴۹	۰.۲۷۲	۴.۶۶۱	۰.۰۰۱

نمودار (۲) تأثیر رگرسیونی عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان



با توجه به ضریب رگرسیونی استاندارد شده می‌توان گفت، به ازای یک انحراف معیار افزایش مطلوبیت در عوامل فرهنگی زنان، ۰.۲۷۲ انحراف معیار افزایش در احساس امنیت اجتماعی آنان به وجود می‌آید (این فرضیه تحقیق با دلالت بر تأثیر مستقیم عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان تأیید شد).

فرضیه دوم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد."

به منظور مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل از آزمون تی مستقل استفاده شده است که نتایج آن به قرار زیر است؛

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

جدول (۱۹): مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل

آماره‌های تحلیلی		آماره‌های توصیفی			وضعیت تأهل	متغیر
Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین		
۰.۲۵۱	۳۸۲	۱.۱۴۹	۰.۶۲	۳.۳۵	مجرد	احساس امنیت اجتماعی
			۰.۶۷	۳.۲۷	متأهل	

بر طبق اطلاعات جول فوق همانطور که ملاحظه می‌شود نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد ($t = 1.149, P > 0.05$). البته میزان احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد (با میانگین ۳.۳۷) تا حدودی بیشتر از زنان متأهل (با میانگین ۳.۲۷) می‌باشد، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

فرضیه سوم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود دارد".

به منظور مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول (۲۰): مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف

آماره‌های تحلیلی		آماره‌های توصیفی		تحصیلات	متغیر
Sig	F	انحراف معیار	میانگین		
۰.۹۹۲	۰.۰۶۸	۰.۵۳	۳.۲۵	کمتر از دیپلم	احساس امنیت اجتماعی
		۰.۶۹	۳.۲۶	دیپلم و فوق دیپلم	
		۰.۶۵	۳.۲۹	لیسانس	
		۰.۶۵	۳.۳۳	فوق لیسانس	
		۰.۷۷	۳.۳۴	دکتری	

بر طبق اطلاعات جول فوق همانطور که ملاحظه می‌شود نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد ($F = 0.068, P > 0.05$). البته میزان احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات کمتر از دیپلم (با میانگین ۳.۲۵) کمتر از سایر گروه‌ها و میزان احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات دکتری (با میانگین ۳.۳۴) بیشتر از سایر گروه‌ها می‌باشد، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

فرضیه چهارم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد".

به منظور مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق مختلف از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار زیر است؛

جدول (۲۱): مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق مختلف

متغیر	منطقه	آماره‌های توصیفی	آماره‌های تحلیلی
		انحراف معیار	F
احساس امنیت اجتماعی	یک	۳.۵۶	۳.۴۳۲
	چهار	۳.۲۱	
	شش	۳.۰۹	
	پنج	۳.۴۶	
	پانزده	۲.۸۷	

بر طبق اطلاعات جول فوق همانطور که ملاحظه می‌شود نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد ($F = 3.432, P < 0.05$). به نحوی که کمترین میزان احساس امنیت اجتماعی مربوط به زنان منطقه پانزده (با میانگین ۲.۸۷) و بیشترین میزان احساس امنیت اجتماعی مربوط به زنان منطقه یک (با میانگین ۳.۵۶) می‌باشد، به بیانی دیگر مقایسه میانگین‌ها حاکی از این است که در مناطق شمال

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

تهران بیشترین میزان احساس امنیت اجتماعی و در مناطق جنوب تهران کمترین میزان احساس امنیت اجتماعی برای زنان ارزیابی شده است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی:

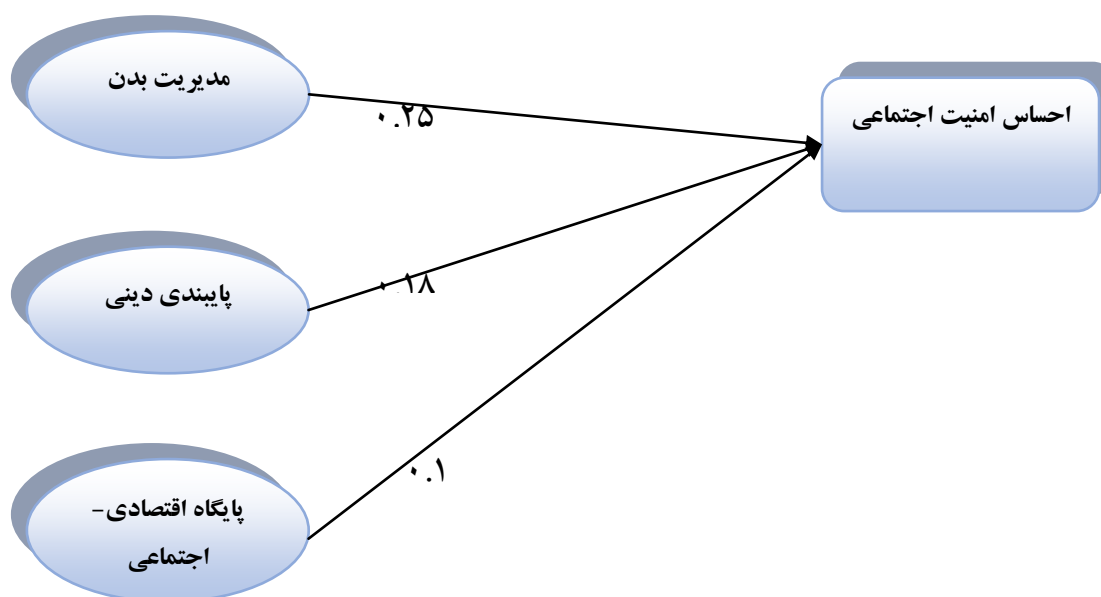
جدول شماره (۲۲): بررسی میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۸۶.۶۹۳	۷.۴۹۲	-	۱۱.۵۷۱	۰.۰۰۱
مدیریت بدن	۱.۳۰۵	۰.۱۳۸	۰.۲۵۱	۹.۴۶۵	۰.۰۰۱
پایبندی دینی	-۱.۳۸۷	۰.۱۸۲	-۰.۱۸۱	-۷.۶۰۵	۰.۰۰۱
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰.۸۰۵	۰.۱۳۶	۰.۱۶۳	۵.۹۱۵	۰.۰۰۱
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	-۰.۱۵۲	۰.۲۸۸	-۰.۰۱۳	-۰.۵۳۰	۰.۵۹۶

بر مبنای اطلاعات جدول فوق مشخص شد که ۲۰ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر احساس امنیت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد و با توجه به مقدار $F = ۹۵.۳۶۸$ و سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰.۰۱ معنادار می‌باشد می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مذکور قادرند تغییرات احساس امنیت اجتماعی را تبیین کنند. بر اساس جدول فوق می‌توان گفت همه متغیرهای مستقل به جز باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت از عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی می‌باشند، چرا که همه آنها در سطح خطای ۱ درصد و با ۹۹ درصد اطمینان بر احساس امنیت اجتماعی اثری معنادار دارند. لازم به ذکر است از بین متغیرهای مستقل متغیر «مدیریت بدن» بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی دارند. همچنین گفتنی است تأثیر همه متغیرهای مستقل به جز متغیر «پایبندی دینی» بر احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌باشد، یعنی با افزایش هر یک از آنها احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد، اما با افزایش پایبندی دینی، احساس امنیت اجتماعی زنان کاهش می‌یابد. ضریب بتای ۰.۲۵۱، مدیریت بدن بدان معناست که با افزایش اهمیت دادن زنان به مدیریت بدن، ۰.۲۵۱ واحد افزایش در احساس امنیت اجتماعی آنان بوجود می‌آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است،

تغییر بصورت مستقیم و از نوع افزایشی می‌باشد. تفسیر سایر عوامل نیز بدین صورت می‌باشد و صرفاً میزان و جهت اثر تغییر می‌کند.

مدل (۱): مدل عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی



با توجه به اینکه در بین متغیرهای مستقل، متغیر «مدیریت بدن» بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی داشته است، در این قسمت به کمک رگرسیون خطی چندگانه، متغیر مدیریت بدن را به عنوان متغیر وابسته میانی (واسط) تعریف کرده و تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر این متغیر مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج حاصل از آن به قرار زیر است:

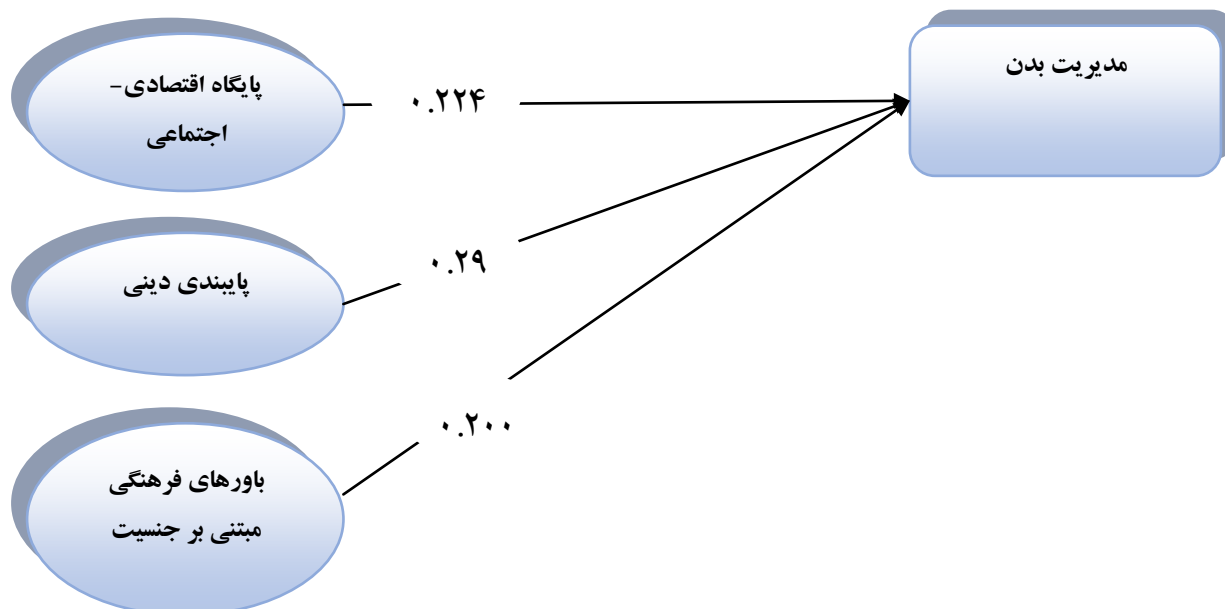
تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

جدول شماره (۲۳): بررسی میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر مدیریت بدن

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	f	سطح معنی داری
عدد ثابت	۴۵.۳۳۳	۲.۶۱۵	-	۱۷.۳۳۷	۰.۰۰۱
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۰.۴۳۵	۰.۰۵۳	۰.۲۲۴	۸.۲۲۹	۰.۰۰۱
پایبندی دینی	-۰.۵۳۶	۰.۰۵۱	-۰.۲۹۲	-۱۰.۴۸۹	۰.۰۰۱
باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت	-۰.۵۸۱	۰.۰۷۲	-۰.۳۰۰	-۸.۰۴۳	۰.۰۰۱

بر مبنای اطلاعات جدول فوق مشخص شد که ۲۰ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر مدیریت بدن توسط مجموع متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد و با توجه به مقدار $F = ۵۴.۳۴۵$ و سطح معناداری به دست آمده که در سطح خطای کمتر از ۰.۰۱ معنادار می‌باشد می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مذکور قادرند تغییرات مدیریت بدن را تبیین کنند. بر اساس جدول فوق می‌توان گفت همه متغیرهای مستقل از عوامل موثر بر مدیریت بدن می‌باشند، چرا که همه آنها در سطح خطای ۵ درصد و با ۹۵ درصد اطمینان بر مدیریت بدن اثری معنادار دارند. لازم به ذکر است از بین متغیرهای مستقل متغیر «پایبندی دینی» بیشترین تأثیر را بر مدیریت بدن دارند. تأثیر همه متغیرهای مستقل به جز دو متغیر «پایبندی دینی و باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت» بر مدیریت بدن افزایش می‌باشد، یعنی با افزایش یا مطلوبیت هر یک از آنها توجه به مدیریت بدن نیز افزایش می‌یابد، اما با افزایش پایبندی دینی و باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت در زنان، اهمیت دادن زنان به مدیریت بدن کاهش می‌یابد. ضریب بتای -۰.۲۹۲ ، پایبندی دینی بدان معناست که با افزایش پایبندی دینی، میزان توجه زنان به مدیریت بدن با شدتی ضعیف کاهش می‌یابد و از آنجا که جهت این رابطه معکوس است، تغییر بصورت معکوس و از نوع کاهنده می‌باشد. تفسیر سایر عوامل نیز بدین صورت می‌باشد و صرفاً میزان و جهت اثر تغییر می‌کند.

مدل (۲): مدل عوامل موثر بر مدیریت بدن



البته قبل از اشاره به این نتایج، باید گفت که متغیرهای مستقل به سه شیوه (الف- اثر صرفاً مستقیم، ب- اثر صرفاً غیرمستقیم، ج- اثر مستقیم و هم غیرمستقیم) و با ضریب تأثیر مختلف بر احساس امنیت اجتماعی (بعنوان متغیر وابسته) تأثیر داشته‌اند که در قسمت زیر به بررسی سهم نسبی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته شده است.

- متغیرهایی که صرفاً بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند؛

با توجه به نتایج تحلیل مسیر مشخص است که "مدیریت بدن" به عنوان یک متغیر کلیدی و واسطه‌می‌باشد و از سایر متغیرها تأثیر پذیرفته و بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بر طبق نتایج، مدیریت بدن با ضریب تأثیر (۰.۲۵۱) بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبتی داشته است.

- متغیری که علاوه بر تأثیر مستقیم بصورت غیر مستقیم (با واسطه متغیر مدیریت بدن) بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارند؛

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

متغیر "پابندی دینی" (با ضریب -0.181) علاوه بر تأثیر مستقیم بر احساس امنیت اجتماعی، با واسطه متغیر مدیریت بدن (با ضریب -0.292) تأثیر کاهنده بر احساس امنیت اجتماعی دارد.

متغیر "پایگاه اقتصادی-اجتماعی" (با ضریب 0.163) علاوه بر تأثیر مستقیم بر احساس امنیت اجتماعی، با واسطه متغیر مدیریت بدن (با ضریب 0.224) تأثیر افزایشی بر احساس امنیت اجتماعی دارد.

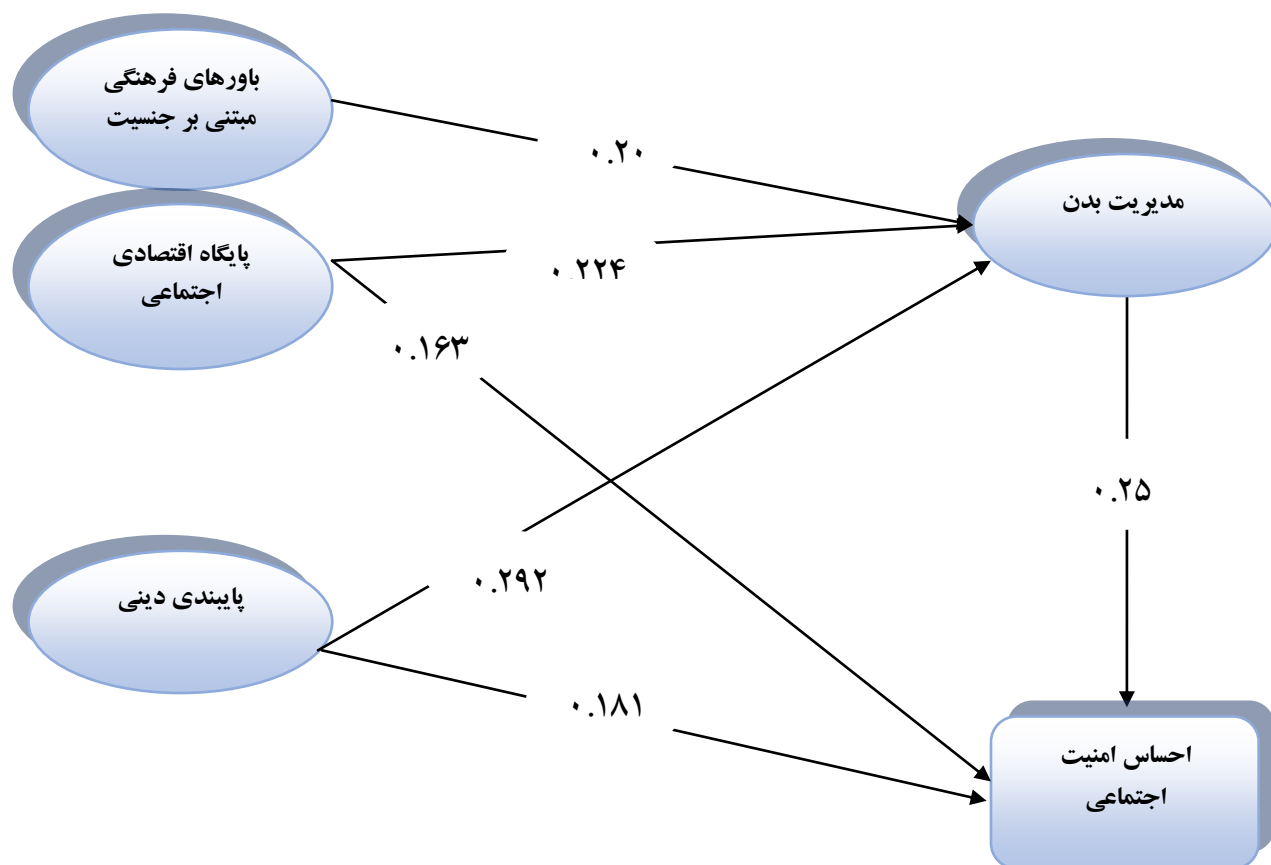
- متغیرهایی که صرفاً بطور غیرمستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند؛

متغیر "باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت" با واسطه متغیر مدیریت بدن (با ضریب -0.200) تأثیر کاهنده بر احساس امنیت اجتماعی دارد.

جدول (۲۴): نتایج حاصل از تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

کل اثر	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰.۲۵۱	-----	۰.۲۵۱		مدیریت بدن
۰.۲۱۹	$(0.224) \times (0.251) = (0.056)$	۰.۱۶۳		پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۰.۲۵۴	$(-0.292) \times (0.251) = (-0.073)$	-۰.۱۸۱		پابندی دینی
۰.۰۵۰	$(-0.200) \times (0.251) = (-0.050)$	-----		باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت

مدل (۳): مدل تحلیل مسیر



تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق ۱، ۴، ۵، ۶ و ۱۵ شهر تهران پرداخته است. عوامل فرهنگی مفهومی است متشکل از چهار شاخص پایگاه اقتصادی- اجتماعی، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت، مدیریت بدن و پایبندی دینی می‌باشد. همانطور که می‌دانیم افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند، این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد. عنصر اساسی مورد نظر در این مفهوم، گروه و حتی جامعه است. مفهوم امنیت اجتماعی ناظر بر تدارک سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) شهروندان است.

نتایج حاصل از فرضیات تحقیق به ترتیب نشان داد؛

فرضیه اول: "عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان تأثیر معناداری دارد".

در این تحقیق با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون نشان داده شد، نتایج حاصل از بررسی روابط بین ابعاد عوامل فرهنگی با احساس امنیت اجتماعی زنان حاکی از این است که از سه بعد عوامل فرهنگی (مدیریت بدن، پایبندی دینی و پایگاه) با احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط دارد، اما باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری ندارد. این فرضیه تحقیق با دلالت بر تأثیر مستقیم عوامل فرهنگی زنان بر احساس امنیت اجتماعی آنان تأیید شد.

فرضیه دوم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد".

در این فرضیه با استفاده از آزمون آمون تی مستقل نشان داده شد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه سوم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود دارد".

در این تحقیق با استفاد از آزمون تحلیل واریانس نشان داده شد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرضیه چهارم: "بین احساس امنیت اجتماعی زنان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد".

در این فرضیه با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان داده شد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. به بیانی دیگر مقایسه میانگین‌ها حاکی از این است که در مناطق شمال تهران بیشترین میزان احساس امنیت اجتماعی و در مناطق جنوب تهران کمترین میزان احساس امنیت اجتماعی برای زنان ارزیابی شده است.

در نتیجه کلی می توان مطرح کرد؛ یکی از مولفه های های شاخص عوامل فرهنگی پایگاه اقتصادی-اجتماعی است. که این مولفه با تحقیق نوروژی همخوانی دارد. زیرا در این تحقیق تاثیر مستقیم پایگاه اقتصادی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان تأیید شد.

مولفه دیگر، باورهای فرهنگی مبتنی بر جنسیت است. که جنسیت با تحقیق خوش فر، همخوانی ندارد. یعنی در این پژوهش مشاهده شد که جنسیت با احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری ندارد.

مدیریت بدن هم یکی دیگر از مولفه های عوامل فرهنگی می باشد. این تحقیق نشان داد مدیریت بدن با احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد یعنی زنانی که اهمیت بیشتری به مدیریت بدن می دهند، احساس امنیت اجتماعی بالاتری دارند.

و مولفه آخر در شاخص عوامل فرهنگی، پایبندی دینی است. این مولفه با تحقیق موحد همخوانی دارد. زیرا در این پژوهش نشان داد که پایبندی دینی بر احساس امنیت اجتماعی تاثیرگذار است.

متغیر وضعیت تاهل با تحقیق زنجانی زاده همخوانی دارد. بدین صورت که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد. یعنی مجرد و متأهل بودن افراد در احساس امنیت اجتماعی بی تاثیر است.

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

متغیر تحصیلات با تحقیق علیخواه همخوانی دارد. بدین معنا که بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان با تحصیلات مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. یعنی تحصیلات در احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر ندارد.

در این پژوهش شاخص موقعیت مناطق با شاخص منطقه سکونت در تحقیق ساروخانی، کلدی و احمدی همخوانی دارد. بدین معنا که در این تحقیق نشان داد که در میزان امنیت اجتماعی زنان بین پنج منطقه ی مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد و امنیت در مناطق مختلف متفاوت است و این بستگی به منطقه مورد مطالعه افراد دارد.

منابع

- احمدی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر در آن، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشکده علوم بهزیستی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- آزاد ارمکی و چاوشیان، تقی و حسن (۱۳۸۱)، بدن به مثابه رسانه‌ی هویت، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴.
- اعظم آزاده، منصوره. و دیگران. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین موقعیت محله و احساس امنیت اجتماعی زنان (مقایسه تطبیقی دو محله ونک و سرآسیاب)، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۲.
- پوراحمد، احمد، و همکاران (۱۳۹۶)، ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری؛ (مطالعه موردی: منطقه یک شهر اهواز)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۳-۶۸.
- چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱). سبک زندگی و هویت اجتماعی، پایان نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زنجانی زاده، هما. (۱۳۸۰). زنان و امنیت شهری، مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.
- ساروخانی، باقر. منیژه نویدنیا. (۱۳۹۱). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دوم.
- شریتیان، محمدحسن. احمدی، اعظم. (۱۳۹۴)، مطالعه احساس امنیت گردشگران کلانشهر مشهد، اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، تهران، موسسه ایرانیان، قطب علمی برنامه ریزی و توسعه پایدار گردشگری دانشگاه تهران.
- علیخواه، فردین، مریم نجیبی ربیعی، (۱۳۸۵). زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره بیست و دوم، صص ۱۳۱-۱۰۹.
- عمید، حسن. (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر امیرکبیر.
- کلدی، علیرضا، محمد احمدی، (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره چهارم، ص ۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، چاپ هشتم.
- مظلوم خراسانی، محمد، عطاء اسماعیلی، (۱۳۸۹). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان شهر در سال ۸۶-۸۵ و عوامل مؤثر بر آن. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، مشهد، سال هفتم، شماره دوم.
- موحد، مجید، صغری همت، (۱۳۹۲). مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره دوم، ص ۵۵.

تأثیر عوامل فرهنگی بر میزان احساس امنیت اجتماعی زنان . . .

- نوروزی، فیض اله، سارا فولادی سپهر، (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، صص ۱۵۹-۱۲۹.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۸۷)، احساس امنیت اجتماعی از منظر توسعه گردشگری، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دوره ۲۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۲۱-۱۴۳.
- Glock, C.Y. & Stark (1965). The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension. Chicago: Rand McNally.
- Moller, Bjorn, (2000) National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict.